

نقدی بر مصادیق و ضمانت اجرای مدنی

حق حسن معاشرت زوجه

محبوبه عبدالهیی^۱

چکیده

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوج را مکلف به حسن معاشرت در برابر زوجه می‌داند. در خصوص این حق، ابهامات قانونی فراوانی وجود دارد. برخی از مصادیق عرفی و فقهی حسن معاشرت، مثل رفع نیازهای جنسی زوجه، عدم ترک زندگی مشترک و خوش رفتاری با زوجه، در قوانین مصوب لازم‌الاجرای فعلی، نادیده گرفته شده و ضمانت اجرای کافی برای آن پیش‌بینی نشده است. بنا بر نظر مشهور فقها، عدم انجام تکالیف زوجیت از جمله حسن معاشرت، موجب جواز اذن طلاق برای زوجه است اما تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، با این نظریه در تضاد است. به موجب مفهوم مخالف این تبصره، ترک زندگی خانوادگی برای مدتی کمتر از شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در یک سال و حبس کمتر از پنج سال، عسر و حرج محسوب نشده و به زوجه در چنین شرایطی، اذن طلاق داده نمی‌شود. ماده ۵۶ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، معیاری برای عسر و حرج تعیین کرده است که با فتاوی فقها در خصوص مصادیق حسن معاشرت، در تضاد است. از طرفی، از آنجاکه بسیاری از مصادیق حسن معاشرت، ضمانت اجرای منصوص قانونی ندارد، طرح دعوی الزام زوج به حسن معاشرت، بر اساس مواد ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳ قانون اجرای احکام مدنی، محکوم به رد است. برای رفع این ایراد لازم است قانون‌گذار، ضمانت‌آجراهایی برای این حق مقرر کند. در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مصادیق قانونی حسن معاشرت، نقد و تعارضات آن با فقه، تحلیل شده است. بر این اساس، نظر به اینکه ضمانت‌آجراهای قانونی حق حسن معاشرت، ناکافی است، برای اصلاح قانون مدنی، ضمانت‌آجراهایی از قبیل الزام زوج به معالجه و روان‌درمانی، منع زوج از ورود به محل سکونت یا کار زوجه و پرداخت خسارت، پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: عسر و حرج، حسن معاشرت، حق تمتع جنسی، لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران، abdolahi80@gmail.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۲۰

مقدمه

بخش عمده‌ای از روابط زوجین، روابط غیر مالی است. در فقه اسلامی، علاوه بر حقوق مالی همچون مهریه و نفقه، حقوق غیر مالی نیز برای زوجه مقرر شده است که یکی از این حقوق، حسن معاشرت است. به موجب ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجین مکلف به حسن معاشرت در مقابل یکدیگرند، اما نه در این ماده و نه در مواد دیگر، مصادیق حسن معاشرت، به وضوح تبیین نشده و ضمانت اجرای کافی نیز برای آنها مقرر نگردیده است. مبهم بودن مصادیق حسن معاشرت، سبب تشتت آرای دادگاه‌ها در این زمینه شده و عملاً هر دادرس، بنا به نظر شخصی خود، این موارد را تعبیر و تفسیر می‌کند. از این رو رفع ابهام از این مصادیق، ضرورت دارد.

از طرفی، هر حکم قانونی، نیاز به ضمانت اجرای مدنی یا کیفری دارد؛ در غیر این صورت، حکم قانون، در حد یک توصیه اخلاقی باقی خواهد ماند و نمی‌توان آن را یک الزام قانونی دانست. طبق قوانین مصوب لازم‌الاجرای فعلی، مهم‌ترین اثر قانونی عدم رعایت حق حسن معاشرت این است که در برخی موارد، در صورت اثبات سوء معاشرت زوج، عسر و حرج زوجه احراز شده و زوجه می‌تواند به استناد آن، از دادگاه تقاضای طلاق کند، اما به جز این مورد، ضمانت اجرای دیگری وجود ندارد که بتوان از آن طریق، زوج را مکلف به انجام تکالیف خود ساخت. بر این اساس، لایحه‌ای به نام «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در هیئت دولت تصویب و در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ به مجلس شورای اسلامی ارسال شد و در دستور کار مجلس قرار گرفت. برخی مواد این لایحه، حمایت‌هایی از حقوق زوجه به عمل می‌آورد؛ هرچند حمایت‌ها و ضمانت‌اجراهای مندرج در این لایحه کافی نیست و به منظور حفظ بنیان خانواده، ضرورت دارد به جای صدور جواز طلاق برای زوجه، زوج ملزم به رعایت تکالیف خود شود. با توجه به کمبود ضمانت‌اجراهای قانونی در راستای الزام زوج به حسن معاشرت، این سؤال مطرح می‌شود که آیا طرح دعوی حقوقی الزام زوج به حسن معاشرت به موجب قواعد آیین دادرسی مدنی، قابل قبول است یا خیر؟ در صورت پذیرش این دعوا، حکم صادره چگونه اجرا خواهد شد و زوج به چه صورت، مکلف به اجرای حکم می‌شود؟

در این مقاله، مصادیق فقهی و عرفی حسن معاشرت، تبیین و با مصادیق مندرج در قوانین، از جمله قانون مدنی، قانون اجرای احکام مدنی و لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد. همچنین ضمانت اجرای مدنی نقض حق حسن معاشرت، تحلیل شده و راهکارهایی برای اصلاح مواد قانون مدنی، که مرتبط با این موضوع است، پیشنهاد می‌شود؛ به صورتی که زوج، به واسطه این ضمانت اجراها، به رعایت حقوق زوجه ترغیب گردد و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که بر اساس قانون مدنی و احکام دادگاه‌ها، مصادیق حسن معاشرت کدامند و در کدام مواد قانونی، احکام فقهی در خصوص مصادیق حسن معاشرت لحاظ نشده است. در اینجا، این سوال مطرح می‌شود که ضمانت اجرای مدنی عدم رعایت حق حسن معاشرت و معاضدت چیست و چه راهکارهایی برای اصلاح و رفع ایرادات مواد قانونی مرتبط با این موضوع می‌توان پیشنهاد کرد؟

۱. پیشینه تحقیق و نوآوری پژوهش

در کتب فقهی و تألیفات حقوقی مرتبط با حقوق خانواده، موضوع حقوق و تکالیف زوجین، از جمله حقوق غیر مالی زوجه در عقد نکاح، مورد بررسی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب «حقوق خانواده» نوشته دکتر سید حسین صفایی و دو کتاب دیگر با همین نام، نوشته دکتر ناصر کاتوزیان و محمد جعفر جعفری لنگرودی اشاره کرد. همچنین دکتر سید مصطفی محقق داماد در کتاب خود با عنوان «بررسی فقهی حقوق خانواده»، حقوق و تکالیف زوجین را از دیدگاه فقهی، مورد بررسی قرار داده است.

در متون فقهی دیگری نیز به این موضوع پرداخته شده که از آن میان می‌توان از کتاب آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی با عنوان «کتاب النکاح» و کتابی از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی با همین نام یاد کرد. همچنین لیلا ثمنی در کتاب خود، حقوق غیر مالی زوجین را از دیدگاه مذاهب خمس برسی کرده است. فقهای دیگری نیز در رساله‌های فقهی خود در مبحث نکاح، به این موضوع پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به کتاب «ینابیع الفقهیه»

نوشته استاد علی اصغر مروارید و «تحریر الوسيله» نوشته امام خمینی و کتاب جواهر الکلام نوشته آیت الله «محمدحسن نجفی» اشاره کرد. در این کتب، فقها و حقوق دانان، انواع و مصادیق حقوق غیرمالی زوجه را مورد بررسی قرار داده‌اند. در مقالات حقوقی از جمله مقاله رحیم نوبهار با عنوان قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر، مفهوم حسن معاشرت تحلیل شده است.

اگرچه در تألیفات فقهی و حقوقی، مصادیق حقوق غیرمالی زوجه به خوبی بیان شده، اما ضمانت اجرای این حقوق، کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. در این موارد، غالب فقها صرفاً به امکان الزام زوج به ادای حقوق زوجه یا ایجاد حق طلاق برای زوجه بسنده کرده و شیوه‌های الزام زوج را مورد تحلیل قرار نداده‌اند. از طرفی، برخی مصادیقی که فقها و حقوق دانان برای حقوق زوجه عنوان کرده‌اند، مبهم، متعارض و قابل نقد است از جمله مصادیق سوء معاشرت زوج. از طرف دیگر، برخی مواد قانونی، از جمله ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، با نظرات فقها و حقوق دانان تعارض دارد و برخی مصادیقی را که فقها به عنوان حق مسلم زوجه بیان کرده‌اند، مورد توجه قانون‌گذار واقع نشده است. بر این اساس نیز در تألیفات حقوقی به آن موارد پرداخته نشده و مواد قانونی با نظرات فقها، مورد تحلیل تطبیقی قرار نگرفته است. در این مقاله، موارد مطرح شده، واکاوی و تحلیل گردیده و ضمانت اجرای مدنی برای رعایت حق حسن معاشرت زوجه، از جمله الزام به شرکت در جلسات روان‌درمانی، پرداخت خسارت و صدور گواهی عدم سازش به تقاضای زوجه، پیشنهاد شده است.

۲. مفهوم و مصادیق حسن معاشرت

در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی مقرر شده است: «زن و شوهر، مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». این ماده، برگرفته از آیه ۱۹ سوره نساء است^۱ و این تکلیف، یک تکلیف مشترک برای زوج و زوجه است. قانون، هیچ تعریفی از حسن معاشرت نکرده است و معنا و مصادیق آن را باید در نظرات فقها و حقوق دانان یافت.

۱. «و عاشروهن بالمعروف».

حسن معاشرت، به معنی انجام وظایف قانونی توسط زوجین است (سبحانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۶۴) و رعایت حسن عقلی و شرعی، به معنی خودداری از انجام هر کاری است که عقل یا شرع آن را زشت و ناپسند بداند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴). برخی علاوه بر حکم عقل و شرع، عرف را به آن افزوده و معتقدند این مفهوم را باید مطابق با عرف و رسوم مردم تحلیل کرد که برحسب زمان، مکان و آداب و رسوم جامعه، متغیر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۹). برخی دیگر، «معروف» را به معنی رعایت مواردی می‌دانند که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، سنت‌های حسنه و آداب است (طباطبایی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۲۸). برخی، شأن و جایگاه اجتماعی زوجه را نیز در نظر می‌گیرند و حسن معاشرت را در طبقات اجتماعی و اقوام مختلف، متفاوت می‌دانند (رشید رضا، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۴۰۶). همچنین زوج و زوجه در خصوص فرزندآوری نیز باید با توافق یکدیگر عمل کرده و اجبار کردن زوجه به بارداری و فرزندآوری یا خودداری زوج از بچه‌دار شدن، بدون در نظر گرفتن نظر زوجه نیز از مصادیق سوء معاشرت است و زوجین در این خصوص نیز باید لوازم حسن معاشرت را رعایت کنند. (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۶۹)

در نگاه عرف، حسن معاشرت شامل مواردی همچون خوشرویی، مسالمت، صمیمیت و پرهیز از مجادله و اهانت است (صفایی و امامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۷). همچنین مهربانی، شراکت در غم و شادی، پرهیز از بی‌اعتنایی به همسر و ترک زندگی خانوادگی، وفاداری زوج و پرهیز از رابطه نامشروع عاطفی یا جنسی با زنان دیگر نیز از مصادیق عرفی حسن معاشرت است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱). اگر زوج برخلاف متعارف، از خروج زوجه از خانه و بازدید از خویشان و دوستانش جلوگیری کند، برخلاف وظیفه حسن معاشرت عمل کرده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۷)؛ زیرا ایجاد محدودیت بی‌جهت برای زوجه طبق عرف، سوء معاشرت محسوب می‌شود. برخی فقهای معاصر نیز چنین اقدامی را خلاف امساک به معروف و حسن معاشرت دانسته‌اند. (فضل‌الله، ۱۴۱۲، ص ۱۳۷)

در نظام حقوقی ایران، با استنباط از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر حق ندارد بدون دلیل، مانع از خروج زن از منزل شود. به موجب این ماده، شوهر فقط در صورتی می‌تواند زوجه را

از اشتغال منع کند که نوع شغل وی، مخالف مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد. از آنجاکه مقدمه اشتغال، خروج از منزل است، بر اساس این ماده، زن علی‌الاصول حق خروج از منزل داشته و شوهر، حق منع وی را ندارد، مگر در مواردی که در این ماده ذکر شده است. همچنین خوش‌زبانی و عدم آزار کلامی نیز از مصادیق حسن معاشرت است (فخر رازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۱۲). در مقابل، ارتکاب خشونت جسمی، ضرب و جرح، برقراری رابطه جنسی به طور نامتعارف با زوجه و توهین کلامی به وی، از مصادیق سوء معاشرت است.

۳. آثار قانونی عدم رعایت حسن معاشرت نسبت به زوجه

در فقه امامیه و قانون مدنی و شروط ضمن عقد نکاح، آثاری برای تکلیف حسن معاشرت آمده است که در ذیل بیان می‌شود:

۳.۱. سلب تکلیف تمکین از زوجه در صورت خوف ضرر

اگر زوج، سوء رفتار داشته باشد به نحوی که سلامت جسمی یا روانی زن یا حیثیت او در معرض خطر باشد، یعنی بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن جداگانه انتخاب کند و در صورت اثبات موارد مذکور، ناشزه محسوب نشده و حق نفقه دارد. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی مقرر کرده است: «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه، حکم به بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر است.»

حکم این ماده بر اساس شرع و در راستای حمایت از زوجه است، اما با این وجود، در عمل، برخی دادگاه‌ها ماده مذکور را به صورتی تفسیر می‌کنند که هدف ماده، که حمایت از زوجه است، محقق نمی‌شود؛ به این نحو که در برخی موارد، دادگاه یک مرتبه، ضرب و جرح زوجه را حتی اگر موجب صدمه بدنی به زوجه شود، به معنی وجود خوف ضرر ندانسته و حتی

در چنین شرایطی، حکم به الزام به تمکین زوجه صادر کرده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۰۹۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۶ صادره از شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر تهران اشاره کرد. در این پرونده، زوجی که زوجه را مورد ضرب و جرح قرار داده، به موجب دادخواست، از دادگاه تقاضای الزام زوجه به تمکین را داشته است. در این دعوا، زوجه، سابقاً در دادگاه کیفری، علیه زوج طرح شکایت کرده و دادگاه، حکم به محکومیت زوج بابت ضرب و جرح عمدی داده است.

با وجود اثبات ضرب و جرح و محکومیت کیفری زوج، شعبه ۲۳۹ دادگاه عمومی تهران، دعوای زوج در خصوص الزام به تمکین زوجه را وارد ندانسته و سابقه ضرب و جرح را مبین مظنه خطر برای زوجه دانسته است، اما شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر تهران، دادنامه مذکور را نقض و اظهار کرده است که محکومیت زوج به اتهام ضرب و جرح عمدی، دلیلی بر تکرار این امر و مظنه خوف ضرر در صورت بازگشت زوجه به منزل نیست و هیچ دلیلی وجود ندارد که در صورت بازگشت زوجه به منزل مشترک، زوجه باز هم مورد ضرب و جرح زوج قرار گیرد؛ از طرفی، زوجه نمی‌تواند با این بهانه که یک بار مورد ضرب و جرح زوج قرار گرفته، برای همیشه با استناد به ماده ۱۱۱۵ از تمکین خودداری کند. در نهایت با این استدلال، دادگاه تجدیدنظر، رأی دادگاه بدوی را نقض و به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۰۹۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۶ حکم به الزام زوجه به بازگشت به منزل مشترک و تمکین از زوج را صادر کرده است.^۱

ایرادی که در استدلال دادگاه وجود دارد این است که ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، صرف وجود خوف ضرر و ثبوت مظنه ورود ضرر را موجب سقوط تکلیف تمکین زوجه می‌داند. ظن یا مظنه که در این ماده به آن اشاره شده است حالتی است که در آن، میزان احتمال، کمتر از قطع و بیشتر از شک است؛ یعنی اگر میزان احتمال، بیش از پنجاه درصد باشد به این حالت، ظن گفته می‌شود. (شب‌خیز، ۱۳۹۸، ص ۳۱۶)

در حالتی که زوج، سابقاً زوجه را مورد ضرب و شتم قرار داده، آن هم به صورتی که موجب

۱. پژوهشگاه قوه قضائیه، سامانه ملی آرای قضایی، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4877>

جراحت شده است، احتمال اینکه در آینده نیز زوج چنین کاری را تکرار نماید، وجود دارد؛ زیرا بروز چنین خشونت‌هایی می‌تواند نشانه وجود اختلالات شخصیتی همچون اختلال شخصیت ضد اجتماعی^۱ یا پارانوئید^۲ باشد. در چنین شرایطی، مصلحت خانواده اقتضا دارد که دادرسی، زوج را به روان‌پزشک ارجاع دهد تا وضعیت روانی وی بررسی شود و اگر ظن بر تکرار ضرب و جرح در آینده وجود داشته باشد، تکلیف تمکین، از زوجه ساقط شود. اگرچه دادرسی به موجب قانون، مکلف به ارجاع این امر به کارشناسی نیست، اما می‌تواند رأساً یا بنا به تقاضای زوجه، طبق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، این اقدام را انجام دهد. حمایت از زوجه و حفظ مصلحت خانواده و سلامت و امنیت زوجه، اقتضا دارد قانون در این خصوص، اصلاح شده و دادرسی، مکلف به ارجاع موضوع به کارشناسی شود. اصلاح قانون و الزام دادگاه‌ها به ارجاع موضوع به کارشناس می‌تواند مانع تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و غیر علمی دادرسان شود.

در رأیی که به‌عنوان نمونه آورده شده است زوجه، تقاضای ارجاع به روان‌پزشک نکرده و دادگاه نیز رأساً این اقدام را به عمل نیاورده است و در نهایت، بنا به نظر شخصی خود اظهار داشته است که مسلم نیست زوجه در آینده، مورد ضرب و جرح قرار گیرد. ایراد دیگر این رأی این است که ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، صرف وجود ظن بر خطر در آینده را کافی دانسته، اما دادگاه، اثبات مسلم بودن وجود ضرر، یعنی قطعیت وجود ضرر را لازم دانسته و چون چنین چیزی ثابت نشده است، زوجه را مکلف به تمکین کرده است.

۳.۲. الزام زوج به تهیه مسکن علی‌حده در صورت خوف ورود ضرر

اگر زندگی مشترک، متضمن خوف ضرر مالی، جانی یا شرافتی برای زوجه باشد، طبق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، زوجه می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در چنین حالتی، طبق ماده مذکور، نفقه نیز بر عهده شوهر است. ایرادی که در این حکم وجود دارد این است که

۱. Antisocial Personality Disorder (AsPD) اغلب افراد مبتلا به این اختلال، پرخاشگر بوده و رفتارهایی از قبیل نزاع و همسرآزاری مرتکب می‌شوند. (موریسون، ۱۳۹۷، ص ۴۶۹)

۲. Paranoid Personality Disorder (PPD) افراد مبتلا به اختلال پارانوئید، ممکن است بدگمانی‌های بی‌دلیلی در مورد وفاداری همسر داشته باشند. همچنین ممکن است از رفتار یا گفتار دیگران، سوء برداشت کرده و به شخص، حمله و یا توأم با خشم پاسخ دهند. (همان، ۱۳۹۷، ص ۴۶۱)

زوجه باید تا خاتمه دعوا و صدور حکم صبر کند تا زوج، ملزم به پرداخت نفقه و تهیه مسکن برای وی شود و اگر از حمایت خانواده خود برخوردار نباشد، عملاً نمی‌تواند علیه مردی که در منزل او زندگی می‌کند اقامه دعوا نماید؛ زیرا اقامه دعوا، موجب تشدید احتمال بروز خشونت علیه او خواهد شد. به همین جهت لازم است در چنین مواردی، راهکار قانونی برای اسکان سریع زوجه در نظر گرفته شود. در همین راستا، بند ۳ ماده ۵۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، مقرر کرده است در شرایطی که بیم خطر برای زوجه وجود داشته باشد، مرجع قضایی، بنا به تقاضای زوجه، به موجب یک قرار، زوج را از ورود به منزل مشترک، منع می‌نماید. در صورت تصویب این ماده، مشکل اسکان زوجه تا زمان صدور حکم به محکومیت شوهر به پرداخت نفقه رفع می‌شود.

۳,۳. تقاضای طلاق به استناد قاعده عسر و حرج یا به موجب شرط ضمن عقد نکاح

یکی از شروط دوازده‌گانه اسناد رسمی ازدواج این است که اگر زوج، سوء رفتار یا سوء معاشرت داشته باشد، به حدی که عادتاً ادامه زندگی را برای زوجه، غیر قابل تحمل نماید، زوج به زوجه وکالت می‌دهد که پس از اخذ مجوز از دادگاه، خود را مطلقه سازد. همچنین تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، که برخی مصادیق عسر و حرج را ذکر کرده است، در بند ۴، «ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه، قابل تحمل نباشد» را از مصادیق این عنوان می‌داند. این ماده، هر ضرب و شتمی را موجب طلاق نمی‌داند؛ بلکه صرفاً ضرب و شتم و سوء رفتاری را موجب طلاق می‌داند که مستمر بوده و با توجه به وضعیت زوجه، قابل تحمل نباشد. تشخیص اینکه عرفاً ضرب و شتم، قابل تحمل بوده یا خیر، به اختیار دادرس واگذار شده است. رویه دادگاه‌ها این است که یک مرتبه ضرب، حتی اگر موجب جراحت مستوجب دیه و محکومیت کیفری زوج شود، مصداق این ماده محسوب نمی‌شود.^۱

۱. به‌عنوان مثال، به‌موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۲۰۰۳۹۲ صادره از شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور، دادگاه یک بار ایراد ضرب و جرح با وجود آنکه منجر به محکومیت کیفری زوج شده است را به معنای عسر و حرج ندانسته و اظهار کرده است که عرفاً یک بار ضرب و جرح، موجب عسر و حرج نیست؛ بلکه باید همراه با سوء رفتار مستمر باشد، به‌صورتی که زندگی را غیر قابل

در راستای رفع این ابهام قانون، ماده ۵۶ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت^۱، در صورتی ضرب را موجب عسر و حرج دانسته که زوج سابقه ۲ بار محکومیت قطعی بابت این موضوع داشته باشد و برای بار سوم نیز به موجب حکم قطعی به این جرم محکوم شود. همچنین بر اساس این ماده، اگر زوج برای بار سوم به موجب حکم قطعی، به هریک از جرایم موجب حد، قصاص و جنایات عمدی موجب دیه به هر میزان و مجازات‌های تعزیری تا درجه شش موضوع این قانون نسبت به زوجه محکوم شود، از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌شود.

ویژگی مثبت این ماده این است که سایر مصداق‌های سوء رفتار (به جز ضرب و جرح) از قبیل توهین، فحاشی، تهدید و... را که دارای شرایط مقرر در این ماده باشد را نیز مصداق عسر و حرج دانسته است. در این میان، باید توجه داشت در صورت تصویب این لایحه، به طور قطع، قضات حق ندارند ضرب و جرحی را که فاقد شرایط مذکور در ماده است را مصداق عسر و حرج بدانند. به عنوان مثال اگر زوج برای مرتبه اول، جراحت شدیدی به زوجه وارد کرده، او را نابینا نماید یا حتی موجب قطع عضو وی شود و به سلامتی او صدمه وارد کند، مصداق عسر و حرج نیست که چنین حکمی، قابل انتقاد است.

همچنین قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، برخی موارد را که عرفاً مصداق بارز عدم رعایت حسن معاشرت توسط زوج است، نادیده گرفته که در زیر بیان می‌شود:

الف) به موجب بند ۱ تبصره فوق، زوجه در صورتی حق طلاق دارد که زوج، زندگی خانوادگی را حداقل به مدت شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در طول یک سال ترک کرده باشد. اگر زوج در مدت کمتری، مثلاً پنج ماه متوالی، زندگی خانوادگی را ترک کند، قانون‌گذار این مورد را از موارد عسر و حرج نمی‌داند؛ درحالی‌که عرفاً، ترک زندگی خانوادگی برای چنین مدتی، سوء

تحمل نماید. (پژوهشگاه قوه قضائیه، سامانه ملی آرای قضایی، <https://ara.jri.ac.ir/judge/Text/9675>).

۱. ماده ۵۶ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت: «در صورتی که زوج، دارای دو بار محکومیت قطعی به جرایم موجب حد، قصاص و جنایات عمدی موجب دیه به هر میزان و مجازات‌های تعزیری تا درجه ۶ موضوع این قانون نسبت به زوجه باشد و مجدداً مرتکب هریک از جرائم مذکور علیه وی شده و منجر به صدور حکم قطعی گردد، از مصادیق عسر و حرج زوجه محسوب می‌شود.»

معاشرت محسوب می‌شود. لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت نیز این نقص قانونی را رفع نمی‌کند. اگرچه ماده ۳۸ این لایحه، برای زوجی که زندگی مشترک را بدون عذر موجه و به صورت نامتعارف ترک می‌کند مجازات حبس یا جزای نقدی درجه ۷، پیش‌بینی کرده، اما باز هم این فعل را مصداق عسر و حرج محسوب نکرده است؛ زیرا طبق ماده ۵۶ این لایحه، سه بار محکومیت به جرایم تعزیری تا درجه ۶، عسر و حرج محسوب می‌شود، اما مجازات این ماده، درجه ۷ و اقل از میزان ماده مذکور است. به همین جهت، این ماده، هیچ تغییری در راستای احراز عسر و حرج زوجه در چنین شرایطی ایجاد نکرده که این امر، قابل انتقاد است.

ب) طبق بند ۳ تبصره ماده مذکور، محکومیت قطعی زوج به پنج سال حبس یا بیشتر، از مصادیق عسر و حرج است و طبق مفهوم مخالف این بند، اگر محکومیت زوج، کمتر از مدت مذکور، مثلاً به مدت چهار سال باشد، مصداق عسر و حرج زوجه نیست؛ درحالی‌که روشن است که چنین زوجی برای مدت طولانی قادر به انجام وظایف زوجیت از قبیل ارضای نیاز جنسی زوجه و... نیست که این موارد، قطعاً مصداق سوء معاشرت است. طبق نظر برخی، اگر زوجه به دلیل تخلف زوج از وظایف زناشویی و عدم ایفای حقوق واجبه خود، تقاضای طلاق کند، دادگاه باید حکم به طلاق دهد و در چنین مواردی، طلاق، مشروط به اثبات وجود عسر و حرج نیست (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۳۷۱). برخی این نظر را نظر مشهور فقها دانسته‌اند (مروارید، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۴۳)، اما قانون، این دیدگاه فقهی را نادیده گرفته است.

۳,۴. ضمانت اجرای الزام زوج به رعایت حسن معاشرت در موارد غیر منصوص در قانون

در خصوص برخی مصادیق شدید سوء معاشرت، قانون مدنی و لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، ضمانت‌های اجرایی برای حفظ حقوق زوجه پیش‌بینی کرده است که در مباحث قبل بیان شد. اما قانون مدنی و لایحه مذکور، برای بسیاری از مصادیق حسن معاشرت از قبیل الزام زوج به خوش‌رفتاری و خوش‌زبانی با زوجه، عدم ترک زندگی خانوادگی برای مدتی کمتر از شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در سال، رفع

نیازهای جنسی زوجه و... ضمانت اجرای مدنی که به موجب آن بتوان زوج را مکلف به انجام تکلیف خود کرد، مقرر نکرده است. آثار حقوقی عدم رعایت حسن معاشرت توسط زوج این است که برخی تکالیف زناشویی همچون تمکین و ادامه زندگی، از ذمه زوجه ساقط می شود، زوجه حق دارد در صورت وجود شرایطی، به استناد ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، زندگی مشترک را ترک و یا به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، در صورت اثبات عسر و حرج، تقاضای طلاق کند. این ضمانت اجراها، علاوه بر آنکه حمایت کافی از زوجه به عمل نمی آورد، باعث خاتمه ازدواج و مفارقت بین زوجین است؛ درحالی که ضمانت اجرای قانونی باید به گونه ای باشد که شخص مکلف را برای انجام تکلیف خود، تحت فشار قرار دهد. قائل شدن حق برخورداری از حسن معاشرت برای زوجه، بدون تعیین ضمانت اجرای قانونی برای تأمین حق، بی معناست و ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، نباید صرفاً در حد یک توصیه اخلاقی خطاب به زوج باشد.

با توجه به مراتب فوق، این سوال مطرح می شود که در مواردی که زوج، سوء معاشرتی دارد که در قوانین مذکور منصوص نیست و مورد حکم خاص قانون گذار قرار نگرفته است - مثلاً اگر زوج با زوجه، بدرفتاری کرده یا نیاز جنسی وی را تأمین نمی کند - آیا زوجه می تواند از دادگاه، تقاضای الزام زوج به حسن معاشرت را بنماید؟

برخی فقها از جمله محقق بحرانی و فاضل هندی، هرگونه سوء معاشرت زوج را نیز به معنی نشوز او دانسته و قائل به این هستند که در چنین شرایطی زوجه می تواند از طریق دادگاه، الزام زوج به حسن معاشرت را بخواهد. (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۰۰)

حال اگر دادگاه، چنین حکمی صادر کرده و زوج را به حسن معاشرت ملزم نماید، حکم صادره چگونه اجرا خواهد شد؟ بر اساس قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی، الزام به اجرای مفاد عقود، از دو طریق امکان پذیر است: اقدام مستقیم اجرایی و فشارهای بدنی و مالی. در تعهداتی که قائم به شخصیت متعهد بوده و انجام تعهد، وابسته به خواست و اراده متعهد است، اقدام مستقیم اجرایی امکان پذیر نیست و نمی توان حسن معاشرت را بالاجبار در او ایجاد کرد. در این نوع تعهدات، دادگاه می تواند از طریق ایجاد فشار بدنی و مالی، متعهد

را به انجام تعهد ترغیب نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۴) که به آن، جریمه اجبار یا خسارت تنبیهی نیز گفته می‌شود. (سیمایی صراف و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۱۸)

تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، این نوع شیوه الزام را بیان کرده است. در این تبصره، مقرر شده است: «در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد، مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد». این تبصره، به قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ اشاره دارد. این ماده مقرر کرده بود: «در مواردی که موضوع تعهد، انجام عملی است که انجام آن جز به وسیله شخص متعهد ممکن نیست، دادگاه می‌تواند به درخواست متعهدله در حکم، راجع به اصل دعوا یا پس از صدور حکم، مدت و مبلغی را معین نماید که اگر محکوم علیه، مدلول حکم قطعی را در آن مدت اجرا نکند، مبلغ مزبور را برای هر روز تأخیر، به محکوم له بپردازد». این ماده به موجب اصلاحات مصوب سال ۱۳۷۹ نسخ شد، اما بنا بر نظر غالب حقوق دانان، ارجاع این تبصره به ماده مذکور، به منزله ذکر این ماده در تبصره است و به همین جهت، منسوخ تلقی نشده و کماکان به قوت خود باقی است (حسین آبادی، ۱۳۹۵، ص ۴۶ و مهاجری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۶). با استناد به این ماده، دادگاه می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای تکلیف حسن معاشرت، زوج را ملزم به پرداخت جریمه نماید. همچنین قانون‌گذار می‌تواند زوج را ملزم به شرکت در جلسات مشاوره و رفتاردرمانی نماید. اگرچه اصلاح رفتار اشخاص، صرفاً با رأی دادگاه و الزام قانونی، امکان‌پذیر نیست و نیازمند خواست قلبی و اراده زوج است، اما ملزم کردن زوج به حضور در جلسات درمانی و مشاوره با متخصص می‌تواند زوج را به اصلاح رفتار خود ترغیب نماید. بر اساس بند ۶ ماده ۵۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، این راهکار پیشنهاد شده است. بر اساس این بند، مرجع قضایی بنا به درخواست زوجه می‌تواند متهم را برای مشاوره و معالجات ضروری معرفی و به موجب دستور، وی را ملزم به ارائه گواهی مراجعه جهت مشاوره و معالجه کند. در صورت امتناع متهم از انجام این دستور، طبق تبصره ۳ همین ماده، مرجع قضایی می‌تواند دستور صادره را تغییر داده و تشدید نماید؛ به عنوان مثال، دستور بازداشت متهم یا سپردن تأمین مناسب از قبیل کفالت و وثیقه صادر کند.

۳،۵. امکان طرح دعوای الزام زوج به حسن معاشرت در موارد غیرمنصوص قانونی از منظر قانون آیین دادرسی مدنی

این سؤال ممکن است مطرح شود که در برخی مصادیق سوء معاشرت که قانون در آنها ضمانت اجرای معینی مقرر نکرده است، اگر زوجه دعوای الزام زوج به حسن معاشرت را مطرح نماید، آیا بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، چنین دعوایی پذیرفته می‌شود یا خیر؟ به نظر می‌رسد تا زمانی که اصلاحاتی در قانون انجام نشده و ضمانت اجرای پیشنهادی، از قبیل الزام زوج به شرکت در جلسات مشاوره و پرداخت خسارت در آن مقرر نشده است، تقدیم چنین دعوایی نتیجه‌ای ندارد. رویه قضایی نیز مؤید این موضوع است.^۱ مشکلی که برای طرح چنین دعوایی وجود دارد این است که این دعوا، به فرض ثبوت، اثر قانونی ندارد؛ یعنی اگر دادگاه به موجب دادنامه، زوج را مکلف به رعایت حسن معاشرت و معاضدت نماید، هیچ اثری بر آن مترتب نیست؛ زیرا نه حکم تأسیسی محسوب می‌شود و نه حکم اعلامی.^۲ قانون، ضمانت اجرای مدنی برای تکلیف زوج قائل نشده است که بتوان تقاضای اجرای آن را کرد؛ پس چنین حکمی، حکم اعلامی نیست؛ زیرا موضوع معینی برای اجرا ندارد تا اجرای احکام بتواند آن را اجرا نماید و به موجب ماده ۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶، این حکم، قابل اجرا نیست. از طرفی، چنین حکمی، حکم تأسیسی هم نیست چون با صدور آن، وضعیت حقوقی جدیدی برای طرفین ایجاد نمی‌شود. اگر حکم دادگاه، مشمول هیچ‌کدام از دو دسته احکام فوق نباشد، اثر قانونی ندارد و به موجب بند ۷ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و ماده ۸۹ همان

۱. به عنوان مثال، در دعوایی، زوجه دادخواستی به خواسته الزام زوج به حسن معاشرت و ترک رفتار غیر حسنه به دادگاه تقدیم کرده و از دادگاه خواسته است تا با ارجاع امر به متخصص اجتماعی و روان‌شناس، حکم بر الزام زوج به اصلاح حسن معاشرت و تشدید خانواده و تربیت اولاد را صادر کند. دادرس به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۱۷۲۰۱۶۹۳ اظهار داشته است که با ادعای زوجه مبنی بر اینکه زوج به تکلیف قانونی خود مبنی بر حسن معاشرت عمل نکرده، موافق است، اما الزام زوج به چنین تکلیفی، نه حکم تأسیسی است و نه حکم اعلامی و چنین دعوایی، اثر قانونی ندارد و در نتیجه، طرح این دعوا را مطابق قانون ندانسته و ضمن صدور قرار عدم استماع دعوا، زوجه را ارشاد به تقدیم دادخواست طلاق به جهت تخلف زوج از تکلیف قانونی و عسر و حرج کرده است. (پژوهشگاه قوه قضائیه، سامانه ملی آرای قضایی، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/11120>)

۲. احکام اعلامی، احکامی هستند که وضعیت حقوقی جدیدی ایجاد نمی‌کنند، بلکه وضعیت حقوقی سابق را احراز و اعلام کرده و آثار قانونی لازم را بر آن مترتب می‌کنند و احکام تأسیسی، احکامی هستند که وضعیت حقوقی جدیدی ایجاد می‌کنند (شمس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۳۰).

قانون، که ناظر بر این ماده است، دادگاه در چنین مواردی، مکلف به صدور قرار رد دعوا است. بنابراین در خصوص برخی مصادیق حسن معاشرت، که فاقد ضمانت اجرای منصوص قانونی هستند، تا زمانی که قانون اصلاح نشده و ضمانت اجراهای پیشنهادی از قبیل الزام زوج به شرکت در جلسات مشاوره و پرداخت خسارت مقرر نشده است، از منظر قوانین آیین دادرسی مدنی، چنین دعوایی محکوم به رد است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

قانون مدنی به تبعیت از فقه اسلامی، زوجین را مکلف به حسن معاشرت در برابر یکدیگر کرده است. منظور از حسن معاشرت، رفتار نیکو و حسنه است و هرآنچه که به موجب عقل، شرع و عرف، حسنه و لازمه رفتار نیکو است، از مصادیق حسن معاشرت است. از آنجاکه حسن معاشرت، یکی از تکالیف زوج است، بنا به قول مشهور فقها، در صورتی که زوج این تکلیف را انجام ندهد، زوجه حق دارد از طریق دادگاه، وی را ملزم به حسن معاشرت کرده و یا تقاضای طلاق نماید. اما تبصره ماده ۱۱۳۰ در قانون مدنی، با این قول در تضاد بوده و در صورت تحقق برخی مصادیق مسلم فقهی و عرفی سوء معاشرت، به زوجه اجازه طلاق داده نشده است. بر اساس مفهوم مخالف تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، در صورت ترک زندگی خانوادگی توسط زوج برای مدتی کمتر از شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در یک سال و حبس کمتر از پنج سال، به زوجه اذن طلاق داده نمی‌شود و رویه دادگاه‌ها نیز به این صورت است که به موجب این ماده، چنین مواردی را عسر و حرج تلقی نکرده و برای زوجه، اذن طلاق صادر نمی‌کنند. روشن است که در صورت ترک زندگی خانوادگی یا در حبس بودن برای مدت مذکور، خلاف حسن معاشرت بوده و زوج نمی‌تواند تکالیف زوجیت خود از جمله برآورده کردن نیاز جنسی زوجه را که لازمه حسن معاشرت است انجام دهد.

لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت نیز این مشکل را حل نکرده و در ماده ۵۶ این لایحه، برای صدور اذن طلاق، سه مرتبه محکومیت قطعی زوج را ضروری دانسته است و اگر زوج برای مرتبه اول یا دوم، جراحات شدیدی از جمله جراحات مستوجب

دیه به زوجه وارد کرده باشد، در چنین شرایطی، طبق این ماده، به زوجه اذن طلاق داده نمی‌شود؛ درحالی‌که عمل زوجی که چنین رفتاری دارد، به لحاظ فقهی و عرفی، مصداق مسلم سوء معاشرت است و ماده مذکور، حق مسلم شرعی زوجه را نقض می‌کند.

به علاوه، ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، دارای نقص و ایراد است که این ایراد، راه را برای تصمیم‌گیری سلیقه‌ای قضات باز گذاشته و این ماده در رویه جاری دادگاه‌ها به صورتی اجرا می‌شود که ناقض حق حسن معاشرت زوجه است. بر اساس این ماده، اگر زوج، سوء رفتار داشته و زوجه را مورد ضرب و جرح قرار دهد و رفتار وی به صورتی باشد که زندگی زوجه با وی در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده انتخاب کند و در صورت اثبات مظنه ضرر، زوجه ناشزه محسوب نشده و حق نفقه دارد. ماده مذکور، دادگاه را مکلف به ارجاع موضوع به کارشناس (روان‌پزشک) نکرده است و عملاً قضات برای اثبات مظنه ضرر مذکور در ماده، سلیقه‌ای عمل می‌کنند. در واقع، رویه جاری غالب دادگاه‌ها این است که یک بار ضرب و جرح، حتی اگر موجب جراحت شدید زوجه شده باشد را مصداق این ماده محسوب نمی‌کنند و در چنین شرایطی، خوف ورود ضرر را محرز ندانسته و زوجه را مکلف به تمکین از زوج میدانند. در نهایت، باید گفت چنین موردی را از مصادیق عسر و حرج محسوب نمی‌کنند که این امر، قابل انتقاد است. در حال حاضر، چنین زوجه‌ای برای تأمین مسکن خود ناچار است مطالبه نفقه کند و در قوانین فعلی، موضوع مسکن زوجه تا زمان صدور حکم قطعی نفقه، تعیین تکلیف نشده است، اما خوشبختانه بند ۳ ماده ۵۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، این موضوع را در نظر گرفته و با ارائه راهکاری برای آن، به دادگاه اختیار داده است که زوج را از ورود به منزل مشترک منع نماید. به جز موارد فوق، سایر مصادیق عرفی حسن معاشرت از جمله عدم برقراری رابطه زناشویی، ترک زندگی خانوادگی، یا حبس کردن زوجه، منع بی‌دلیل او از روابط اجتماعی مشروع، ضمانت اجرای منصوصی در قانون ندارد. در چنین مواردی اگر زوجه، دعوی الزام زوج به حسن معاشرت طرح کند، بر اساس مواد ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳ قانون اجرای احکام مدنی، این دعوا، محکوم به رد است. برای تضمین بیشتر حق زوجه برای برخورداری از حسن معاشرت، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، اصلاح شده و این عبارات به ماده افزوده شود: «دادگاه برای احراز مظنه ضرر، مکلف به ارجاع موضوع به کارشناس روان پزشکی و صدور حکم بر مبنای نظر کارشناس است. در مواردی که ضرب منجر به جراحت، مستوجب دیه است، دادگاه، زوج را مکلف به انجام معالجات درمانی و مشاوره روان شناسی کرده و تا زمان بهبود وی، طبق نظر روان پزشکی، زوجه حق دارد مسکن علی حده اختیار کند. در صورت امتناع زوج از درمان، دادگاه مبلغی تعیین کرده و به ازای هر روز تأخیر در درمان، زوج مکلف به پرداخت این مبلغ به زوجه است. به علاوه اگر زوج، بدون عذر موجه از درمان امتناع ورزد، زوجه می تواند به استناد عسر و حرج، تقاضای طلاق نماید.»

۲. ماده ۵۶ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت به این صورت اصلاح شود: «اگر زوج دارای یک بار محکومیت قطعی به جرایم حد، قصاص و جنایات عمدی موجب دیه به هر میزان باشد، از مصادیق عسر و حرج محسوب می شود. همچنین اگر زوج دارای یک بار محکومیت قطعی به مجازات های تعزیری موضوع این قانون نسبت به زوجه باشد و مجدداً مرتکب هریک از جرایم مذکور شود و منجر به صدور حکم قطعی گردد، از مصادیق عسر و حرج محسوب می شود.»

۳. ماده ۴۲ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، اصلاح شده و «الزام زوجه به تمکین نامتعارف بدون رضایت وی» به آن افزوده شود.

۴. پیشنهاد می شود به منظور ترغیب زوج به انجام تکالیف خود، ضمانت اجراهایی از قبیل الزام زوج به معالجه، شرکت در جلسات روان درمانی، پرداخت خسارت به دلیل امتناع از درمان و منع زوج از ورود به محل سکونت یا محل کار زوجه مقرر شود. اگرچه ماده ۵۱ لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، تعدادی از ضمانت اجراهای مذکور را مقرر کرده است، اما برخی از ضمانت اجراهای مذکور قید نشده و برای برخی دیگر از مصادیق سوء معاشرت از جمله عدم برقراری رابطه زناشویی متعارف و حبس کردن بدون دلیل زوجه و منع وی از برقراری روابط اجتماعی مشروع و متعارف، در این لایحه نیز لحاظ نشده است که لازم است این موارد نیز مورد توجه قانون گذار قرار گرفته و ضمانت اجرایی برای این موارد مقرر شود.

فهرست منابع

۱. پژوهشگاه قوه قضائیه، سامانه ملی آرای قضایی، <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4877>
۲. ثمنی، لیلا (۱۳۹۰ش)، حقوق غیر مالی زوجین از دیدگاه مذاهب خمس، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶ش)، حقوق خانواده، تهران: گنج دانش.
۴. حسین آبادی، امیر (۱۳۹۵ش)، «اعتبار قانونی تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال ۶۷، ش ۲۲۵، ص ۳۹-۴۵.
۵. سبحانی، یوسف؛ اسفندیاری مهنی، افلاطون؛ رضائی استخرئویه، مصطفی و جلالی فر، فاطمه (۱۳۹۷ش)، «بررسی حق اجرت المثل فعالیت های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق»، مطالعات زن و خانواده، دوره ششم، ش ۲، ص ۵۹-۸۸.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۹ش)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: انتشارات دار الشامیه.
۷. رشید رضا، محمد (۱۳۹۳ق)، تفسیر المنار، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
۸. سیمایی صراف، حسین؛ ابوعطا، محمد و برمانزن، فاطمه (۱۳۹۷ش)، «شیوه های الزام به اجرای عینی قرارداد»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، ش ۱۸، ص ۲۰۳-۲۳۰.
۹. شب خیز، محمدرضا (۱۳۹۸ش)، اصول فقه دانشگاهی، تهران: کتاب آوا.
۱۰. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، ج ۵، قم: مؤسسه رای پرداز.
۱۱. شمس، عبدالله (۱۳۹۹ش)، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، تهران: دراک.
۱۲. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۱ش)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، عروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. فاضل هندی، بهاء الدین محمد (۱۴۰۵ق)، کشف اللثام، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۶ش)، التفسیر الکبیر، تهران: اساطیر.
۱۶. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۲ق)، تأملات اسلامیة حول المرأة، بیروت: دار الملائک.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ش)، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶ش)، اعمال حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۰. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۳ق)، بنایع الفقهیه، بیروت: دار الاسلامیه.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳ش)، کتاب النکاح، ج ۵، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۲. موریسون، جیمز (۱۳۹۷ش)، DSM-5 به زبان ساده، ترجمه: فرهاد شاملو، علی نیلوفری و یونه جلالی، تهران: ارجمند.
۲۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶ش)، تحریر الوسیله، ج ۴، قم: دار العلم.